

یادداشت سردبیر

تابستان داغ با خودکنترلی در دنیای خیالی

در حقیقت تفاوت دو فراز از موقعیت‌های واقعی زندگی است که برای همه ما پیش می‌آید. در اولی، زمان‌ها و فعالیت‌ها دقیق تعریف می‌شوند و در دومی، چنین کاری انجام نمی‌شود. در موقعیت نخست فعالیت‌ها را اغلب در قالب زمان محدود می‌کنیم ولی در موقعیت دوم، زمان را در اختیار فعالیت‌ها می‌گذاریم. در طول سال تحصیلی هم در مدرسه و هم در خانه، باید فعالیت‌ها در محدوده یک برنامه و با زمان خاص انجام گیرد؛ ولی در تابستان می‌توان فعالیت‌هایی را تعریف و مشخص کرد و زمان را در اختیار آن گذاشت. اگر کسی تصمیم بگیرد در تابستان داستانی بنویسد، تحقیقی انجام دهد، چیزی را اختراع یا اختراعی را تکمیل کند، در طبیعت سیری کند و در تمامی این موارد، می‌تواند وقت را در اختیار آن فعالیت‌ها قرار دهد و زمان را با دست‌ودلبازی بیشتری برای فعالیت‌هایش صرف کند؛ در حالی که در طول سال تحصیلی چنین امکانی برای او فراهم نیست.

مردم جامعه ما به‌نحو آشکاری در استفاده از زمان دچار مشکل‌اند و یکی از تجلی‌گاه‌های این مشکل، خلف وعده‌هایی است که ما از طرف صنعتگران و پیشه‌وران و مهندسان و صاحبان سایر مشاغل می‌بینیم. بهتر است

فصل تابستان طولانی‌ترین دوره فراغت در نظام آموزشی و پرورشی ایران است. در سال‌های اخیر و چند سال پیش رو، این فصل ماه مبارک رمضان را در دل خود دارد؛ بنابراین می‌تواند به شکلی بسیار سازنده‌تر از آنچه تاکنون مدنظر بوده است، سپری شود. برای فرایند راهنمایی و مشاوره، زمان عنصری مهم و مغتنم است که باید به خوبی از آن بهره برد. در این فرایند، هر تصمیم و اقدامی باید در زمان مناسب خود انجام گیرد. نمی‌توان بدون لحاظ کردن زمان مناسب، اقدامات مشاوره‌ای و راهنمایی را سودمند تلقی کرد. از این رو با غنیمت شمردن زمان مناسب، برای تابستان و رمضان امسال، پیشنهادهایی را می‌توان در نظر داشت. ۱. تابستان‌ها اغلب، بدون برنامه‌ریزی مشخص سپری می‌شوند. مناسب است دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی، به‌ویژه در اردیبهشت ماه، به نحوه استفاده از فرصت تابستان بیندیشند و برای آن طرحی اجمالی داشته باشند. من نمی‌خواهم برای این زمان از برنامه‌ریزی سخن بگویم؛ نه از آن جهت که آن را ضروری نمی‌دانم، بلکه به این امید که عزیزان دانش‌آموزان بتوانند در طول سال تحصیلی، براساس برنامه‌ریزی دقیق عمل کنند و تابستان را با داشتن یک طرح اجمالی سپری کنند. تفاوت این دو،



می‌کنیم که ویژگی‌های بزرگی را توصیف کنیم و نوجوان را به سمت آن‌ها هدایت کنیم. به‌راستی بزرگ‌سال به لحاظ رفتاری و شخصیتی با کودک چه تفاوت‌هایی دارد؟ آیا در پاسخ به این سؤال، بین همهٔ کسانی که در جایگاه تربیتی نشسته‌اند، اتفاق نظر وجود دارد؟ اگر پاسخ به این‌گونه سؤالات، روشن و مثبت باشد نوبت به این سؤال می‌رسد که آیا خود کودک و نوجوان تصویر روشنی از بزرگ‌سالی در ذهن دارد؟ آیا نمی‌توان از برخی رفتارهای کودک و نوجوان استنباط کرد که او چه تصویری از بزرگی و بزرگ‌سالی دارد؟ مثلاً وقتی کسی با پنهان‌کاری و دور از چشم والدین، کارهایی انجام می‌دهد، نمی‌توان استنباط کرد که تصویر او از بزرگ شدن انجام دادن کارهایی است که هیچ ضرورتی ندارد آن‌ها را به اطلاع بزرگ‌ترها برساند. او با انجام دادن چنین کارهایی به خود و دیگران اثبات می‌کند که چنان بزرگ شده است که دیگر به صلاح و مشورت با دیگری و یا اجازه گرفتن از بزرگ‌ترها احتیاج ندارد. آیا نمی‌توان حدس زد کسی که تلاش می‌کند با جنس مخالف رابطه برقرار کند، بزرگی را در این می‌بیند که در جایگاهی مشابه یک زن یا یک شوهر قرار گیرد؟ چنین فردی بزرگی را در چنین جایگاهی نمی‌بیند؟ قطعاً چنین افکاری در ذهن نوجوانان وجود دارد. آیا در ذهن نوجوانان چنین افکاری نیز وجود دارد که معنای بزرگ‌سالی می‌تواند خودشناسی باشد؟ آیا آنان به خودکنترلی، خودتنظیمی، مسئولیت‌پذیری و... به‌عنوان صفات مهم بزرگ‌سالی و بزرگی فکر می‌کنند؟ اگر چنین ملاک‌هایی در ذهن مربیان وجود نداشته باشد، می‌توانیم از نوجوان انتظار چنین افکاری را داشته باشیم؟ به هر حال، تابستان با توجه به کم شدن نظارت و کنترل بزرگ‌ترها به‌ویژه از طرف مدرسه بر رفتار نوجوان، فرصتی است برای نوجوان که نشان دهد می‌تواند مانند بزرگ‌سالان واقعی، خود را بشناسد، خود را کنترل کند و مسئولیت‌هایی را به دوش بگیرد. به‌عبارت بهتر، بزرگی را در شاخص‌های حقیقی ببیند نه در شاخص‌های خیالی و خودساخته.

والسلام

تابستان را موقعیتی به شمار آوریم که در آن، زمان در اختیار فعالیت تعریف شود و در طول سال تحصیلی فعالیت در قید زمان قرار گیرد.

۲. تابستان فرصتی است برای کشف خوشی‌هایی که شاید در فرهنگ متداول ما برجسته نشده باشند. در ذهن بسیاری از دانش‌آموزان، تابستان فرصتی است برای خوش‌گذرانی. ای کاش چنین بود و خوشی توسط کودکان و نوجوانان ما به خوبی شناخته می‌شد. اگر در ابتدای سال تحصیلی دانش‌آموزان بتوانند خوشی‌هایی را که در تابستان کشف کرده‌اند نام ببرند و توصیف کنند، در واقع توانسته‌اند خوشی را بشناسند. ای کاش بتوانند خوشی را با شهود نیامیزند و خوشی‌های انسانی را بشناسند. خوشی هنگام افطار، خوشی شناخته شده‌ای برای مسلمانان است که یکی از رازهای ماندگاری ماه مبارک رمضان را در دل خود دارد؛ خوشی ناشی از کشف یک رابطهٔ علت و معلولی؛ خوشی ناشی از تعمیر یک وسیله، خوشی ناشی از کمک به یک نیازمند، خوشی حاصل از مدیریت کردن یک رفتار و یک احساس و بسیاری از خوشی‌های حقیقی زندگی، نمونه‌هایی هستند از آنچه می‌توانند زندگی انسانی را غنی کنند. در خوشی کردن، نگاه به رفتار و منش دیگران داشتن و تقلید کورکورانه از آنان، سرانجام، خوشی را به ناخوشی و لذت را به ذلت بدل می‌کند. تابستان فرصتی است برای کشف خوشی‌ها و خوش‌زیستن‌ها، نه خود را به اجبار در دل خوشی‌های تقلیدی انداختن و نقش انسان‌های به ظاهر خوش را بازی کردن. آنان که فکر می‌کنند برای خوش بودن باید قهقهه زد، در جمع بود و با جمع همراهی کرد، قلبان کشید و... هیچ‌گونه خلاقیتی در کشف و درک خوشی‌ها ندارند. اینان کسانی هستند که مستعد بیهودگی و بی‌ثمری و انواع اعتیادها هستند. تابستان فرصت خلایق بودن در کشف خوشی‌های انسانی است.

۳. تابستان، به‌خصوص وقتی با ماه رمضان مصادف باشد فرصتی است برای درک بزرگی و بزرگ شدن. همگی در توصیف دورهٔ نوجوانی، آن را مرحلهٔ گذار از کودکی به بزرگ‌سالی توصیف می‌کنیم ولی از این معنا غفلت